

Journal iranian political sociology
Vol. 5, No.12, Esfand 2023

<https://doi.org/10.30510/psi.2022.303594.2265>

Abstract

Environmental crimes against national resources, including forests, pastures, natural forests, deserts, and deserts, are organized and widespread. These crimes endanger the national resources recorded in the laws and cause the loss of national resources in the lands and forests, as well as in the deserts. The criminal policy required to do so reflects the legislature's view of the importance of such resources. The main issue is the destruction of the environment and the destruction of national resources, and we need to see what criminal policy the legislature has in place to prevent it. The aim of the present study is to identify environmental crimes against national environmental resources and the penalties provided for in laws and to explain domestic environmental criminological approaches. In summary, the organization's prevention of crimes against national environmental resources requires a modern view of the legislature as well as advanced criminology. The research method in this paper is library and descriptive-analytical.

Keywords: Criminal Policy, National Resources, Environment, Crime, Intergeneration Justice

ماهنامه علمی (مقاله علمی- پژوهشی) جامعه شناسی سیاسی ایران،

سال پنجم، شماره دوازدهم، اسفند ۱۴۰۱، صص ۳۰۳۰-۳۰۰۹

<https://doi.org/10.30510/psi.2022.303594.2265>

سیاست جنایی ایران در برابر جرایم علیه منابع ملی زیست محیطی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۷

علی علی نژاد^۱

اصغر عباسی^۲

مهدی اسماعیلی^۳

محمد نبی پور^۴

چکیده

جنایات زیست محیطی علیه منابع ملی از جمله جنگل ها، مراتع، بیشه های طبیعی و بیابان ها و کویر به شکلی سازمان یافته و گسترده انجام می پذیرد. این جرایم و جنایات منابع ملی ثبت شده در قوانین را به خطر انداخته و موجب تلف شدن منابع ملی در بخش اراضی و جنگلها و همچنین بیابان ها می گردد. سیاست جنایی لازم برای این امر حاکی از نگاه قانون گذار به اهمیت اینگونه منابع می باشد. مسئله اصلی تخریب محیط زیست و از بین رفتن منابع ملی است که باید دید قانونگذار چه سیاست جنایی را برای امر پیشگیری در نظر گرفته است. هدف از تحقیق کنونی نیز شناسایی جرایم محیط زیستی علیه منابع ملی زیست محیطی و مجازات های پیش بینی شده در قوانین و تبیین رویکردهای جرم شناسانه زیست محیطی داخلی می باشد. نتایج نشان داد: با توجه به شدت وحدت جرائم فاقد باز دارندگی بوده و تناسبی با اصل فردی کردن مجازات ها ندارد. برنامه ریزی جامع و مشخص جهت استفاده از ظرفیت نهادهای مدنی در جهت پیشبرد سیاست جنایی قضایی در ایران وجود ندارد. در خلاصه نتیجه نیز می توان گفت که پیشگیری از جرایم سازمان علیه منابع ملی زیست محیطی نیاز به دیدگاه مدرن قانونگذار و همچنین جرم شناسی پیشرفته داره. روش تحقیق در این مقاله کتابخانه ای بوده و به صورت توصیفی تحلیلی انجام می پذیرد.

واژگان کلیدی: سیاست جنایی، منابع ملی، محیط زیست، جرم، عدالت بین نسلی، جامعه شناسی زیست محیطی.

دانشجوی دکتری، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آمل

(نویسنده مسئول)، استادیار گروه حقوق، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران

استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران

استادیار حقوق جزا و جرم شناسی، واحد آمل دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران.

گسترش روز افزون تعرض و تعدی به منابع ملی و جلوه‌های رو به تزاید آن از قبیل زمین خواری، کوه خواری، دریا خواری، کویر خواری و... موجب گردید تا مقابله با این پدیده دغدغه جدی آحاد مردم و متولیان امر قرار بگیرد. کما اینکه در سنوات اخیر، دولت و حاکمیت تدابیر ویژه‌ای را در این راستا اتخاذ نموده و بعضاً نهادهای ویژه‌ای در سطح ملی و منطقه‌ای برای مقابله و مبارزه با این پدیده تاسیس گردیده است. شکل‌گیری شورای حفظ حقوق بیت‌المال در سطوح ملی و منطقه‌ای از جمله این نهادها می‌باشد. موضوع مورد بحث دیگر شناخت اراضی ملی، اقسام و ویژگی‌ها و عناصر تشکیل دهنده آن و نهایتاً اتخاذ رویه‌ی واحد و منسجم نسبت به حفظ و حراست از اراضی ملی از سوی سازمان‌ها و ادارات ذی‌مدخل و جلوگیری از تقسیم ناصواب قوانین و مقررات که خود موجبات تضییع و از دست رفتن منابع ملی می‌گردد هدف گذاری شده است.

دایره شمول منابع ملی چنان گسترده است که علاوه بر منابع طبیعی رودخانه‌ها و دریاها، محیط زیست و کیفیت زندگی افراد و جامعه را نیز شامل می‌شود نگارنده در مقاله حاضر سعی دارد در خصوص سیاست جنایی قضایی یعنی تفسیر قوانین و فعلیت بخشیدن به آنها به بیان دیگر سیاست جنایی قضایی یعنی سیاست جنایی تقنینی آن طور که مورد برداشت، تفسیر و عمل قضات قرار می‌گیرد. در سیاست جنایی قضایی قاضی با توسل به ابزارهای قضایی که در اختیار دارد مانند: مجازات‌های جایگزین حبس مذکور در ماده‌ی ۶۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ یا نظام نیمه آزادی و... می‌تواند در رسیدن به اهداف سیاست جنایی مطلوب که همانا شامل تدابیر کیفری و غیر کیفری یا پیشگیرانه است کمک کند. در خصوص سیاست جنایی قضایی حاکم بر منابع ملی صرفاً نباید به ضمانت اجراهای کیفری بسنده کرد. چرا که سیاست جنایی برای کنترل جرم و انحراف از ساز و کارهای غیر کیفری و پیشگیری از قبیل پیشگیری وضعی و اجتماعی نیز بهره می‌برد.

امروزه جرایم علیه محیط زیست بزرگترین خطری است که آینده انسان‌ها و این کره‌ی خاکی را تهدید می‌کند. جرایم زیست محیطی به علت وسعت مفهومی قابل توجه خود، انواع مختلفی را شامل می‌گردد. برداشتهای مختلف از ضرر، موجب درک و تفسیر متفاوت از ماهیت و پویایی جرم زیست محیطی می‌شود (الیوت، ۲۰۰۷: ۱۸). یکی از نتایج این امر، پیوند خوردن مباحث مربوط به "گستره وسیعی از موضوعات دیگر است. برخی از این مسائل عبارتند از: انتقال غیرقانونی و دفع پسماندهای سمی و انتقال مواد خطرناک هم چون مواد کاهنده لایه اوزون و قاچاق مواد بالقوه یا بالفعل پرتوزا و هسته‌ای و رشد پسماندهای الکترونیک که توسط رایانه‌ها و دیگر ابزارآلات مدرن ایجاد میشود و یا غصب زیستی که بر اساس آن شرکت‌های بزرگ و افراد با استثمار مالکیت و کنترل گیاهان، جنگل‌ها و مراتع طبیعی و غیره. جرایم زیست محیطی علیه ملی چهره‌ی سازمان یافته‌ای دارد و به این منظور قانون‌گذار نیز می‌بایست با جرم‌انگاری پیشرفته‌ی جرایم زیست محیطی علیه منابع ملی، در صدد پیشگیری از اینگونه جرایم برآید. قوانین کشور ما درباره‌ی یئمنبایع جنگلی و محیط زیستی متأسفانه تا حدی قدیمی است و به نظر می‌آید که می‌بایست تجدید یابد. بی‌توجهی مسئولان به مساله منابع طبیعی و ناکارآمدی برنامه‌های نه‌چندان مشخص آنها مسبب اصلی بحران منابع طبیعی است. برای اینکه سیاست جنایی ایران را در زمینه جرایم مرتبط با منابع طبیعی بررسی کنیم باید اصطلاحات و مفاهیم پرکاربرد را در رابطه با سیاست جنایی، بزهکاری و منابع طبیعی مورد توجه قرار داده و آنگاه به چهارچوب و محتوای موضوع پی ببریم و در نهایت هم راهکارهای مناسبی را عرضه بداریم. البته ما در متن مقاله به مجازات‌ها، جرم‌انگاری‌های قانون‌گذار خواهیم پرداخت و دیدگاه قانون‌گذار برای پیشگیری از اینگونه جرایم و جنایات‌ها را تبیین خواهیم نمود.

۱- رویکرد عدالت بین نسلی در زمینه سیاست جنایی ناظر بر جرایم علیه محیط زیست در سطح قوانین و فقه

۱-۱- در سطح قوانین

در نیمه ی اول قرن بیستم ، شاهد تحولات آرامی در توسعه و کاربرد هنجارهای عرفی بین المللی در مسایل زیست محیطی هستیم . قضیه ی تریل اسملتر بین ایالات متحده آمریکا و کانادا یکی از قضایای معدودی در این برهه به شمار می رفت که به هنجارهای جدید محیط زیستی می پرداخت چرا که مفهوم کلیدی رای صادره در این قضیه ، آن بود که ((هیچ کشوری حق استفاده یا اعطای مجوز حق استفاده از قلمروی خویش به طریقی که باعث ایراد خسارت به قلمروی کشورهای دیگر شود را ندارد))^(۱) این اصل که در حقیقت سنگ بنای توسعه ی حقوق بین الملل محیط زیست محسوب می شود ، منشا اصول ۲۱ اعلامیه استکهلم و ۱۲ اعلامیه ی ریو به شمار می رود و نشانگر عبور از حقوق بین الملل عام مبتنی بر جبران خسارت به سمت شکل گیری قواعد خاص مربوط به حمایت از محیط زیست به ویژه اصل موسوم به ((تعهدات بین نسلی)) می باشد . به طور کلی اصل تعهدات بین نسلی تحت الشعاع اصل توسعه ی پایدار رشد پیدا کرده است و توجه به مفهوم توسعه ی پایدار در ((گزارش آینده ی مشترک ما)) کمیسیون ملل متحد در محیط زیست و توسعه ۱۹۸۷ (کمیسیون بروتلند) ، این مساله را به نحو بارزتری برای ما مشهود می سازد : ((توسعه ای دانسته که پاسخگوی نیازهای نسل حاضر بدون به خطر انداختن ظرفیت ها و نیازهای نسل آتی باشد دانسته است .^(۲))) هم چنین در بیانیه دهلی نو از اصول قوانین بین المللی مربوط به توسعه ی حقوق بین الملل که در دهلی نو (۲ - ۶ آوریل ۲۰۰۲ میلادی) برگزار گردید ، هدف توسعه پایدار را این گونه اعلان می دارد : ((رویکرد جامع و یکپارچه ای به فرآیندهای اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی است که با هدف استفاده پایدار از منابع طبیعی و زمین صورت می گیرد و به حفاظت از محیط زیست ، زندگی انسان و هم چنین توسعه ی اجتماعی و اقتصادی بستگی دارد و در پی تحقق بخشیدن حق همه انسان ها به استاندارد زندگی مناسب بر اساس فعالیت هایشان ، مشارکت آزاد و معنی دار در توسعه و توزیع عادلانه منافع حاصل ، با توجه به نیازها و منافع نسل های آینده است))^(۳)

Wood , Stepen , Transboundary harm in International law : Lessons from the Trial Smelter^۱
 Arbitration , Osgoode Hall Law Journal , Vol . 45 , No . 3 , 2007 , p1 .

^۲ بایستی توجه داشت که در همین گزارش نیز ، یکی از شاخص های توسعه پایدار ، تعهدات بین نسلی ذکر شده بود به نحوی که تصریح شده بود : ((نسل امروز نباید هزینه ی زندگی خود را بر آیندگان تحمیل کند بلکه هم نسل های امروز و فردا و هم اعضای نسل امروز همگی به صورت برابر از حق بهره مندی و کاربری منابع زیست محیطی برخوردارند .))

^۳ بایستی توجه داشت که تمامی این حقوق در زیرمجموعه ی حق بر محیط زیست سالم معنا پیدا می کنند . حق بر محیط زیست سالم ، از حقوق بنیادین بشر و مساله ای حیاتی در دنیای امروز است که حساسیت و توجه به آن ، از رشد بی رویه صنایع و فعالیت های توسعه ای کنترل نشده در جهان نشأت گرفته است . به واقع ، از نظر تاریخی پردازش این حق و تدوین آن به رشد سریع جمعیت جهان ، انقلاب صنعتی و گسترش صنایع که خود با بهره برداری بی رویه از منابع طبیعی و ایجاد آلودگی و تخریب در محیط انسانی و طبیعی همراه بوده ، باز می گردد . اصل اول اعلامیه محیط زیست انسان (اعلامیه ی استکهلم ۱۹۷۲) این حق یعنی بهره مندی همگان از محیط زیست مناسب با زندگی پایدار شرافتمندانه را اعلان می دارد و این حق را مکمل دو نسل دیگر حقوق بشر یعنی آزادی و برابری قلمداد می کند . لیکن بشر بر مبنای اعلامیه حق توسعه معجم عمومی سازمان ملل متحد ۱۹۸۶ از حق بر توسعه نیز برخوردار گردیده است که بر اساس آن توسعه ی یک فرآیند همه جانبه اقتصادی ، اجتماعی ، فرهنگی و سیاسی است که هدف آن بهبودی مستمر رفاه کل جامعه است لیکن برای محدود سازی توسعه ، نهاد توسعه پایدار برگرفته از اندیشه های حقوق بشر و

دو رابطه است که می‌بایستی دیدگاه تعهدات بین نسلی را در چارچوب محیط زیستی طبیعی ما شکل بدهد: ارتباط ما با سایر نسل‌های انسانی و ارتباط ما با سیستم طبیعی که بخشی از آن هستیم. گونه‌های انسانی، به طرز باور نکردنی به سایر بخش‌های سیستم طبیعی متصل بوده بدین معنا که هم از آن چه که در سیستم رخ می‌دهد، تاثیر می‌پذیرند و هم بر آن تاثیر می‌گذارند. به علاوه، محیط زیست طبیعی می‌تواند برای انسان، مضر باشد همان‌چنان که از طریق سمیت طبیعی برخی از گونه‌های گیاهی و جانوری، تعداد زیادی انسان کشته شده‌اند. از سوی دیگر، سیستم طبیعی، زندگی را برای ما مقدور می‌سازد. این سیستم به ما آن چه را که برای حیات و بهبود و ارتقای رفاه انسانی نیازمند هستیم؛ در اختیار قرار می‌دهد. اقدامات انسان بر سیستم طبیعی اثر می‌گذارد. در میان تمامی حیوانات، انسان تنها موجودی است که از قابلیت تغییر شکل قابل توجه یا ارتباطات فراگیر با محیط زیست برخوردار است. انسان می‌تواند بر مبنای اصل پایدار پذیری از محیط زیست استفاده نموده یا بالعکس، کیفیت محیط زیست را تقلیل دهد. با این حال، بایستی گفت که بر مبنای اصل تعهدات بین نسلی، انسان از هیچ‌گونه حقی برای از بین بردن تمامیت و یکپارچگی محیط زیست برخوردار نیست. دومین بعد اصل تعهدات بین نسلی در حفاظت از محیط زیست، به ارتباطات بین نسل‌های مختلف انسانی بازمی‌گردد. تمامی نسل‌های انسانی در استفاده از مولفه‌های مشترک زمین به نسل‌های دیگر گذشته و آینده مرتبط هستند. به منظور تعریف اصل تعهدات بین نسلی، مفید است که جامعه بشری را به عنوان یک عنصر مشارکتی در میان تمامی نسل‌ها مدنظر قرار داد. در این ارتباط، ادmond برک (Edmund Burke) خاطر نشان می‌سازد که ((از آن جا که هدف‌ها و کارکردهای این چنین مشارکتی نمی‌تواند در بسیاری از نسل‌ها حاصل شود، این مشارکت نه تنها بین آن دسته از افرادی که زنده هستند، وجود دارد بلکه بین متوفیان و کسانی که قرار است به دنیا بیایند نیز وجود دارد.))

اصل تعهدات بین نسلی از ریشه‌های عمیقی در حقوق بین‌الملل برخوردار است. مقدمه‌ی اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر مقرر می‌دارد: ((در حالی که شناسایی کرامت انسانی و حقوق برابر و جدایی‌ناپذیر تمامی اعضای خانواده‌ی بشری، مبنای آزادی، عدالت و صلح در جهان است.)) بنابراین، همان‌گونه که مشهود است؛ عبارتی زیر خط کشیده‌ی فوق نشانگر تعهدات بین نسلی بوده که حتی این‌گونه تعهدات بر مبنای اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشری، مبنای آزادی، عدالت و صلح در جهان می‌باشد. منشور سازمان ملل متحد، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون پیشگیری و مجازات جرم نسل‌کشی، اعلامیه‌ی آمریکایی حقوق و وظایف انسان، اعلامیه‌ی منع تبعیض علیه زنان، اعلامیه‌ی حقوق کودک و بسیاری از اسناد حقوق بشری از کرامت انسانی و برابری حقوق انبای بشری یاد کرده که باز به نوعی تعبیر کننده‌ی اصل تعهدات بین نسلی می‌باشند. برای نمونه، ماده‌ی یک اعلامیه‌ی اصول همکاری‌های بین‌المللی فرهنگی مقرر می‌دارد: ((هر فرهنگی از شخصیت و ارزشی برخوردار بوده که می‌بایستی احترام و مورد حفاظت قرار بگیرد)) و ((تمامی فرهنگ‌ها

حقوق محیط زیست ایجاد و مورد شناسایی و حمایت جهانی قرار گرفته است. برای اطلاعات بیشتر در این ارتباط ن. ک به: رضانی قوام آبادی، محمد حسین و شفیق فرد، حسن؛ توسعه پایدار و حق بر محیط زیست سالم: چشم انداز نسل‌های آینده، فصلنامه سیاست جهانی، دوره پنجم، شماره اول، بهار ۱۳۹۵، ص ۲۴۲.

'Burke . F , ‘ Reflections on the Revolution in France 139 – 40 (1790) ‘ , in 2 Works of Edmund Burke 368 (London 1854)

بخشی از میراث مشترک متعلق به بشریت را تشکیل می دهند.)) این اسناد، یک باور بنیادین به کرامت تمامی اعضای جامعه بشری خواه گذشته، حال و خواه آینده و برابری حقوقی که فارغ از ظرف زمانی و مکانی بسط پیدا می کند؛ جلوه گر می باشد. در واقع، مفهوم این اسناد آن است که در صورتی که ما در صدد مجوز دادن به نسل های کنونی برای بهره برداری از منابع طبیعی و فرهنگی مان به هزینه ی موجودیت نسل های آینده باشیم، این امر با اهداف منشور سازمان ملل متحد و اسناد بنیادین و مادر حقوق بین الملل بشر در تعارض می باشد.

به طور کلی در خصوص تعهد نسل حاضر در برابر آیندگان، دو نگرش وجود دارد:

۱- روش حافظان محیط زیست که معتقدند نسل حاضر باید تمام منابع را برای نسل آینده حفظ نماید؛

۲- گروه دیگر نیز معتقدند که هیچ تعهدی در قبال نسل های آینده ندارند و حق دارند هر گونه که می خواهند از منابع بهره برداری نمایند.

به نظر می رسد هیچ یک از این دو دیدگاه افراطی و تفریطی با فلسفه ی حفاظت محیط زیست و توسعه پایدار انطباق ندارد و بلکه تعهدات بین نسلی و انصاف بین نسلی به عنوان یک حد و سط بین این دو رویکرد متضاد قرار گرفته است به گونه ای که بر این اعتقاد است که دولت ها حتی اگر ندانند که این منابع محیط زیستی به کدام نسل تعلق دارند، باید حقوق و تعهدات بین نسلی را بر اساس اصول کلی تعیین نمایند!

آن چه که در زمینه ی تعهدات بین نسلی مهم می باشد، توجه به برخی از ابعاد انصاف بین نسلی می باشد. هم چنان که مشهور است، فقر، علت اصلی تخریب محیط زیست بشری است. جوامع فقیر انسانی که دسترسی نابرابری به منابع طبیعی دارند، مجبور می گردند تا به منظور تحقق نیازهای ضروری و کلیدی شان، از منابع خود استفاده ی بیش از حد نمایند. هم چنان که اکوسیستم در حال تخریب و نابودی است، جوامع فقیر بیش ترین ضرر و خسارت را متحمل می گردند چرا که نمی توانند اقداماتی را که برای کنترل یا انطباق با تخریب محیط زیست لازم می باشد، انجام داده و به تدریج به سمت محیط های تخریب شده به پیش می روند. اصل تعهدات بین نسلی علاوه بر محیط زیست در سایر شاخه های حقوق بین الملل نیز جلوه گر می باشد از جمله مهم ترین این حضورها در زمینه ی کنوانسیون بین المللی نسل کشی و ممنوعیت تبعیض نژادی بوده که تعقیب های قضایی بین المللی و داخلی پیش بینی شده در راستای این دو جرم، به دلیل حفاظت از حقوق نسل های گذشته، حال و آینده صورت پذیرفته است. این امر خود نشانگر حضور اصل تعهدات بین نسلی در تمامی شاخه های حقوق بین الملل می باشد.

^۱ پورهاشمی، سید عباس و دیگران، ((شکل گیری و توسعه مفهوم حقوق نسل های آینده در حقوق بین الملل محیط زیست))، فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست، ۱۳۹۵، ص ۵۴.

برخی مشکلات تعهدات بین نسلی در زمینه ی حفاظت از محیط زیست بین نسل کنونی و نسل های آینده و برخی از آن ها بین جوامع مختلف در نسل های آینده وجود دارد . برخی از مشکلات نیز به شرایط و وضعیت محیط زیست طبیعی که نسل های آینده دریافت می دارند ، مربوط شده و سایر موارد به منابعی که آن ها برای انطباق با محیط زیست تغییر یافته به ارث خواهند برد ؛ مرتبط می گردد . برای نمونه ، تخریب محیط زیست برای نسل های آینده می تواند هم در سطوح بین المللی و جهانی ، منطقه ای و محلی رخ دهد به نحوی که بسیاری از مراکز جمعیتی می توانند در آینده به عنوان مراکز جمعیتی مدنظر قرار گرفته که قابلیت سکونت در آن ها وجود ندارد . از سوی دیگر ، کاهش ریزش جوی و افزایش جمعیت انسانی منجر به ورود تحولات ژنتیک در زمینه ی محصولات کشاورزی شده است با این حال اگرچه این تحولات موجب افزایش باردهی محصولات شده است اما این محصولات در برابر تغییرات آب و هوایی ، آسیب پذیرتر از محصولات طبیعی هستند و این معضل این بیم را ایجاد می نماید که ممکن است در آینده علی رغم افزایش علوم ژنتیک کشاورزی اما به علت تغییرات مکرر جوی ، بشر با کمبود مواد غذایی ، خوراکی و تغذیه ای مواجه باشد که بحران غذا در آینده یکی معضلات قابل پیش بینی است .

۲-۱- در سطح فقه

در حقوق ایران ، نگاه اجمالی به قوانین موجود ، بیانگر آن است که قوانین ایران که برگرفته از برداشت های دینی و مذهبی و اعتقادات عمیق مردم این سرزمین است با نگاه ارزش ذاتی به محیط زیست می نگردد.^۱ فقه اسلامی با تکیه بر منابعی چون قرآن ، سنت ، اجماع و عقل بقای جاودانی خود را تضمین کرده است.^۲ همان گونه که در بخش های قبلی نیز خاطر نشان شد ، عدالت بین نسلی یک مفهوم یا دکتین ریشه در حقوق غرب داشته و بنابراین نمی توان به طور صریح و دقیق ، از این چنین عبارتی در منابع حقوقی اسلام نشان گرفت به عبارت دیگر ، ادبیات مربوط به این مفهوم از دهه ۷۰ میلادی وارد ادبیات حقوقی بین المللی شده است. با این حال ، می توان نشانه هایی از مفهوم عدالت بین نسلی را در ادبیات فقهی اسلامی مشاهده نمود اما با مبنای متفاوت چرا که در حقوق اروپای حاره ای ، مبنای نظریه پردازی عدالت بین نسلی بر حول محور اقتصادی و مغایرت توسعه اقتصادی با استفاده مطلوب از محیط زیست می چرخد. اسلام به مقوله عدالت بین نسلی و رعایت حقوق نسل های آینده توجه ویژه ای نموده است . همان طور که احکام دین اسلام جهانی و جاودانه بوده ، شامل انسان هایی که هنوز پا به عرصه وجود نگذاشته اند نیز می شود ؛ برخورداری از مواهب طبیعی نیز در اسلام به یک نسل خاص اختصاص ندارد یعنی افزون بر عدالت درون نسلی ، عدالت بین نسلی نیز جایگاه خاص خود را دارد .

^۱ دبیری ، مینو ؛ آلودگی محیط زیست (هوا ، آب و خاک) ، ویرایش جدید ، تهران ، ۱۳۸۲ ش ، ص ۴۶.

^۲ ساجدی ، اکبر ؛ بررسی نقش زمان و مکان در فقه محیط زیست ، فصلنامه فقه و مبانی حقوقی اسلامی ، سال پنجم ، شماره

در آموزه های اسلامی، عناصر طبیعت نظیر آب، هوا، درختان و گیاهان از جایگاه ویژه ای برخوردار هستند. اسلام، محیط زیست را واحدی تجزیه ناپذیر می داند و انسان را از محیط زیست در جهان هستی؛ جدا نمی داند. با وجود آن که طبیعت و محیط زیست در اختیار انسان، به عنوان خلیفه الهی در زمین قرار داده شده است ولی نشانه ای از قدرت و عظمت الهی توصیف شده که این ((خلیفه)) را آن گونه که شایسته او است، به آنها متعهد می نماید! بر این اساس هرگونه استفاده و بهره برداری از منابع طبیعی که به تھی سازی منابع پایان پذیر یا تخریب منابع تجدیدپذیر بیانجامد یا سبب آلوده سازی محیط زیست شود بر اساس قاعده لاضرر ممنوع و وظیفه دولت است که از آن جلوگیری به عمل آورد و خود نیز از داشتن چنین سیاستی بپرهیزد. از سوی دیگر، ضرر از نظر عمده فقها بایستی یک ضرر ملموس باشد این در حالی که ضرر وارده بر محیط زیست که در نسل های آینده مشاهده و ملموس خواهد بود در نسل کنونی و توسط نسل حاضر قابل کشف و بازیابی نبوده و بنابراین از این منظر نیز عدم استفاده ضررآمیز از محیط زیست نسبت به نسل آینده دچار چالش از منظر حقوق اسلام می گردد. این ملموس بودن در مراحل بعدی به تاثیراتی چون قابل رفع بودن می انجامد بنابراین ضرری که قابل لمس نباشد، قابل رفع نیز نمی باشد. مرحوم مراغی علاوه بر استناد به روایات به دلیل عقلی نیز اشاره نموده و در این باره می نویسد:

((بعد ما علمنا ان هذا شی قبیح فمتی ما صدر من شخص و كان قابلاً لرفع قبحه و لم ینجز بالفعل یحکم العقل القاطع بلزوم رفع هذا العمل التبیح علی فاعله)) که مضمون آن بدین صورت است که بعد از اینکه دانستیم ایراد ضرر قبیح است، هرگاه ضرر از شخصی صادر شود و قبیح آن رفع پذیر باشد و قبیح بالفعل نشده باشد، عقل به لزوم رفع عمل قبیح از طرف فاعل حکم می کند. با این حال به نظر می رسد که هیچ کدام از این ادله نمی تواند صرفاً با توجه به قضا یا مطرح در مورد قاعده لاضرر به ویژه قضیه سمره بن جندب صحیح از آب در آید.

یک نکته مهم در مورد دکترین حقوقی اسلام در مورد عدالت بین نسلی آن است که سه موضوع برجسته است که در وهله نخست یک دکترین حوزه عدالت بین نسلی بایستی بدان پاسخ دهد اولین مساله قلمروی عدالت بین نسلی است یعنی چه کسانی مستحق دریافت منافع و یا ملزم به تحمل بار هزینه ها هستند دوم الگوی عدالت یا مقدار شایستگی هر فرد برای دریافت و نحوه آن است و سومین مساله، واحد سنجش منافع و مزایایی است که باید بر اساس قیود عدالت بین نسلی

^۱ گوهری، عباس و بیژنی، مهدی؛ مسئولیت مطلق در تخریب محیط زیست از دیدگاه فقهی، فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال هفتم، شماره بیست و چهارم، تابستان ۱۳۹۰، ص ۱۱۴.

^۲ عسگری، محمد مهدی و توحیدی نیا، ابوالقاسم، ۱۳۹۱، تنزیل عادلانه در بهره برداری از منابع طبیعی پایان پذیر، مطالعات اقتصادی اسلامی، سال پنجم، شماره ۹، ص ۶۹.

بازتوزیع گردد^۱ و دکتین حقوقی اسلام در این زمینه نیز مستثنی نمی باشد. در این را ستا به نظر می رسد که در پا سخ به سوال اول بایستی با توجه به نهادهای حقوقی چون حیزات به نظر می رسد که نظام حقوقی اسلام هم نسل جاری و هم نسل آینده را مستحق دریافت منابع دانسته و بنابراین به مانند دکتین های حقوقی غربی نبوده که صرفا نسل آینده یا نسل فعلی را مستحق دریافت چنین منافی بداند. از سوی دیگر به نظر می رسد که هزینه ها بایستی به طور مساوی بر نسل های مختلف تحمیل شود و این موضوع در قران کریم و روایات نیز مورد تاکید قرار گرفته است. هم چنین از نظر منابع اسلامی، انسان به عنوان خلیفه به جای عمل در جهت سودمندی برای خدا، سلسله ای از ارزش ها را ایجاد کرده است که نتیجه آن سلطه بر طبیعت به جای حفاظت و حمایت از آن از دیدگاه امانت داری الهی است، خداوند می فرماید: به راستی که انسان چیز بزرگی را در این صورت از دست داده است و زمانی می فهمد که آسمان ها آماده انفجار شوند، زمین دو نیم شود و کوه ها به طور کلی تخریب شوند، از آنجا که دیدگاه کلیدی در مورد اسلام آخرت است که اعمال به خود انسان بازمی گردد و نسبت به تمام اعمالی که مرتکب شده مجازات می شود، او مجبور به حمایت از دست آوردهای حال برای آیندگان است. آخرت شناسی نیرویی برای اجرای صحیح اعمال است. انسان باید نشان دهد که نه تنها به عنوان یک امانت دار بلکه به عنوان یک خلیفه خداوند نسبت به این امانت توجه دارد. طبیعت به عنوان یک امانت برای انسان است نه چیزی دیگر و انسان همراه به دست آوردن تقوای الهی حق چیره شدن را دارد بدون اینکه مقاومت و جنگی در برابر آن داشته باشد و انسان نباید از قدرت، توانایی ها، استعدادها و حقوقش بدون در نظر گرفتن مسئولیتش در امانت داری، از امانت بد استفاده کند. وحی و شریعت نیز برای راهنمایی انسان در بجا آوردن همان امانت داری آورده شده است^۲.

یک تلاش مثبت در جهت عدالت بین نسلی، کاهش رجحان زمانی است. وجود رجحان زمانی بر این حقیقت دلالت دارد که انسان ها ارزش بیشتری برای مطلوبیت در زمان حال نسبت به مطلوبیت در زمان آینده قائل هستند. بنابراین، نسل حاضر رفاه و در نتیجه مصرف خود را به رفاه و مصرف نسل های آینده ترجیح داده و منابع اقتصادی را با سرعت بیشتری مصرف می کند. شدت تخریب محیط زیست نیز به عنوان یک منبع اقتصادی در صورت وجود رجحان زمانی بیشتر خواهد بود.

^۱ مرتضوی کاخگی، مرتضی و دیگران، دورکین و مسایل عدالت بین نسلی: درآمدی بر نظریه برابری در منابع بین نسلی، فصلنامه پژوهش سیاست نظری، شماره بیست و یکم، بهار و تابستان ۱۳۹۶، ص ۱۱۹.

^۲ مهدوی، اکبر و سلیمانی، ایران، تحلیل جامعه شناختی حق جمعی بر محیط زیست، فصلنامه دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال یازدهم، شماره اول (پیاپی)، ۳۶، بهار ۱۳۹۶، ص ۳۲۰.

بنابراین می توان انتظار داشت که هرچه رجحان زمانی جامعه بیشتر باشد، سرعت تخریب محیط زیست بیشتر و سرعت رشد اقتصادی کمتر خواهد بود.^۱

خطاب های عام قرآن مبنی بر این که آنچه در آسمان ها و زمین است مسخر و فرمانبردار شما قرار داده شده یا خداوند آنچه در آسمان ها و زمین و بین آنهاست برای شما آفریده است یا زمین را خداوند برای مردم قرار داد. این آیه ها به طور صریح دلالت دارند بر این که نعمت های خداوند به افراد خاص، گروه های خاص و حتی مردم زمان یا مکان خاصی اختصاص ندارد بلکه همه مردم در بهره برداری از آنها شریکند. در دین اسلام، قاعده های عملی تضمین کننده عدالت بین نسلی و درون نسلی نیز وجود دارد که برخی از این قاعده ها، عدالت را در سطوح محدودتر مانند خانواده ها، عشیره یا صنفی خاص محقق می سازند اما کاربرد برخی فراگیر بوده و در تحقق عدالت در درون یک نسل و بین نسل ها کارایی دارد. این قاعده ها به دو دسته کلی تقسیم می شوند:

دسته نخست مربوط به نهادهایی است که به وسیله شارع بنا شده و در آنها، رفتارهای اقتصادی به گونه ای تنظیم شده که عدالت بین نسلی را هرچند به صورت محدود محقق می سازند که از آن جمله می توان به وقف و وصیت اشاره کرد.

دسته دوم مربوط به قاعده ها و اصولی است که کاربری آنها فراگیر بوده و به منظور تحقق عدالت در درون نسل ها و بین نسل های گوناگون تشریح شده است مانند اصل تشریح مالکیت دولتی و عمومی برای منابع طبیعی که زمینه را برای استفاده همه باز می نماید.

از سوی دیگر، از طریق روایت هایی که درباره اراضی مفتوح عنوه یعنی زمین هایی که با جنگ به تصرف مسلمانان درآمده باشد وارد شده می توان اهمیت اسلام به نسل های آینده را پی برد. و بنابراین می توان به این امر پی برد که من حیث المجموع در حقوق اسلام به عدالت بین نسلی توجه خاصی شده است.

^۱ بخشی دستچردی، رسول و دیگران، بررسی تاثیر عدالت بین نسلی بر گرمای جهانی و رشد اقتصادی با تاکید بر نقش نرخ رجحان زمانی (مطالعه موردی: منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا)، فصلنامه پژوهش ها و سیاست های اقتصادی، شماره ۸۶، سال بیست و ششم، تابستان ۱۳۹۷، ص ۶۹.

^۲ فراهانی فرد، سعید؛ عدالت بین نسلی در بهره برداری از منابع طبیعی، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۵، بهار ۱۳۸۶، ص ۱۳۲.

۲. جرائم زیست محیطی ملی و الگوی تقسیم بندی آن در سطح داخلی

جرم زیست محیطی یا جرم-بوم به هر فعل یا ترک فعلی اطلاق می شود که دارای ارتباط مستقیم با ملاحظات زیست محیطی باشد (وایت، ۲۰۱۶: ۳۵). در قوانین و مقررات ایران، جرم زیست محیطی گاهی به شکل عام و در مواردی به طوری خاص مورد توجه واقع شده است. از جمله مواردی که جرم زیست محیطی در معنای عام مورد توجه قرار گرفته ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ است. صرف نظر از تبیین عام جرم زیست محیطی، موارد خاص متعددی نیز وجود دارد که برخی از آنها عبارت اند از جرم آلودگی آب که در بند ۳ ماده آیین نامه جلوگیری از آلودگی آب (مصوب ۱۳۷۳) تعریف شده است و دیگری جرم آلودگی هوا که در قانون هوای پاک مصوب ۲۵ تیر ماه ۱۳۹۶، بند اول ماده ۱ تعریف شده است. عنصر قانونی جرم زیست محیطی در حقوق ایران، قوانین و مقرراتی هستند که در آنها فعل یا ترک فعل موجب ایراد صدمه و آسیب به محیط زیست مشخص شده است و برای مرتکب یا مرتکبان نیز حسب مورد مجازات تعیین شده است (حاجیوند و همکاران، ۱۳۹۷).

۲-۱- رویکرد جرم شناسانه زیست محیطی

در این رویکرد، اصل ضرر مرکز توجه قرار می گیرد. به باور متخصصان این حوزه، آن چه در تعریف جرم زیست محیطی ملاک قرار می گیرد، نه تنها جرم انگاری آنها است، بلکه هر رفتاری که موجب ایراد ضرر بر محیط زیست شود، جرم زیست محیطی خواهد بود. لینچ^۱ به عنوان آغازگر جنبش جرم شناسی سبز^۲ (۲۰۱۲)، چالش های زیست محیطی را به مثابه بحث اصلی جرم شناسی به رسمیت شناخت. پس از آن، بسیاری از جرم شناسان با تشکیل شبکه های بین المللی، تفکر انتقادی به چالش های زیست محیطی را سرلوحه فعالیتهای خود قرار دادند. از دریچه جرم شناسی سبز، بهترین جایگاه تحلیل ضرر زیست محیطی توجه به مبانی عدالت بر اساس شاخص هایی چون تفکرات بشری، حق حیوانات و محیط زیست و دغدغه های حقوق بشری است. مسئله کلیدی در این بستر، شناسایی انواع مختلف ضرر بر اساس عدالت جامع زیست محیطی و جرم انگاری برخی ضررها است که در جرم شناسی جریان غالب به آنها توجه نشده است. از این رو در جرم شناسی سبز، سه رویکرد جامع در خصوص عدالت به رسمیت شناخته شده است. هر یک از این سه جنبش، بر اساس شاخص های خود، ضرر را تعریف می کنند: عدالت و حقوق زیست محیطی: حقوق زیست محیطی به دنبال توسعه حقوق انسانی و اجتماعی است و به کیفیت زندگی بشری در حال حاضر و آینده توجه دارد.

عدالت و شهروندی زیست محیطی: شهروندی زیست محیطی بر این باور است که سعادت بشری تنها یک بخش از زیست بوم های پیچیده ای است که باید بر اساس حق بر محیط زیست سالم حفظ شود. عدالت و حقوق گونه های جانوری: بر اساس این رویکرد، ضرر زیست محیطی باید بر اساس جایگاه حیوانات در محیط زیست به همراه حق بر عدم آزار فردی و نهادی و ضررهای ناشی از رفتارهای بشری که تغییرات اقلیمی و محیط زیست را در سطح جهانی متأثر می کنند، تحلیل شود. بر همین اساس، جرم زیست محیطی یا "جرم - بوم" به هر فعل یا ترک فعلی اطلاق می شود که دارای ارتباط مستقیم با ملاحظات زیست محیطی باشد. همان طور که در خصوص ماهیت جرم اختلاف است، متخصصان در مورد تعریف ضرر زیست محیطی و چگونگی جرم انگاری آن نیز نظریات گوناگونی دارند. به عنوان مثال، جرم زیست محیطی فراملی بر اساس اصطلاحات حقوقی سنتی به شرح زیر تعریف می شود: "هر فعل یا ترک فعل خلاف قانون که محل تعقیب کیفری و اعمال ضمانت اجراهای جنایی است (وایت، ۱۳۹۵: ۱۳۷).

^۱White

^۲Lynch

^۳Mary ciford and Terry Edwards, environmental crime, jones learning

هر جرم فرامرزی در سطح بین‌المللی و جهانی جرایم آلاینده محیط زیست، از جمله آب، هوا و زمین و رفتارهای غیرقانونی علیه حیوانات وحشی، از جمله فروش غیرقانونی عاج فیل و حیوانات زنده. تعاریف فوق، نهایت توجه قوانین داخلی و بین‌المللی به مسائل محیط زیستی و مرکز توجه نهادهایی چون پلیس بین‌الملل به جرایم این حوزه است. اما رویکرد جرم‌شناسانه با توسعه تعریف جرم زیست محیطی فراملی و تمرکز بر مفهوم ضرر، این جرم را چنین تعریف می‌کنند: هر رفتار مضر برای انسان، حیوان یا محیط زیست، صرف نظر از جرم‌انگاری آن در نظام عدالت کیفری رسمی. ضررهای محیط زیست محور که توسط دولت‌ها، شرکتها و گروه‌های قدرت ارتکاب می‌یابند. این سه گروه با اثربخشی بر نظام جرم‌انگاری قادرند، از صافی رویه‌های منع آلودگی محیط زیست به سادگی عبور کنند. از این رو، تعریف جرم زیست محیطی فراملی چالش برانگیز و مبهم است (وایت، ۱۳۹۵: ۱۳۹).

در برخی متون فنی حقوقی، جرم زیست محیطی فراملی چنین تعریف شده است: "جرم زیست محیطی فراملی معامله و قاچاق گیاهان، حیوانات، منابع و آلاینده‌هایی است که در تعارض با معاهدات چندجانبه با قوانین داخلی هستند" (زارع مهدوی و دانش ناری، ۱۳۹۵: ۶۸). تعریف فوق، پیچیدگی‌های بسیاری را در محتوا، دامنه و قلمروی جرم زیست محیطی فراملی به وجود می‌آورد. به عنوان مثال، تعریف حقوقی این جرم در حقوق بین‌الملل بر اساس ۲۷۰ معاهده بین‌المللی انجام می‌شود. از یک سو، قوانین موجود در خصوص تعریف جرم زیست محیطی فراملی در سطح محلی، منطقه‌ای و ملی متفاوت است و از سوی دیگر، معاهدات و قوانین فراگیری وجود دارد که خریداران حقوقی مختلفی در سطح جهان دارند. از این رو، تعریف این جرم به چگونگی اعمال قواعد توافق‌نامه‌ها در سطح محلی بستگی دارد. تفاوت در قانون، رویه و برداشت‌های مختلف در خصوص جرم زیست محیطی نیز به دلیل ماهیت در حال تغییر ضرر است. همان‌طور که میدانیم، اولین رسالت حقوق کیفری، مشخص کردن شدت رفتارهای بزهکارانه بر اساس شاخص‌هایی چون صدمه فیزیکی وارد بر بزه دیده، آسیب روحی، ضرر مادی در جرایم مالی و... است. به باور پژوهشگران علوم اجتماعی، تضرر مستلزم تخمین و ارزیابی می‌باشد. با وجود این، تعیین گستره ضرر با عبور از تعاریف نظام عدالت کیفری رسمی محقق می‌شود؛ زیرا رفتارهای زیان‌بار توسط دولت‌ها ارتکاب می‌یابند و دولت‌ها خود مسئول نظام جرم‌انگاری‌اند. از این رو، توسعه معیارها و شاخص‌های تعریف جرم، عبور از تعاریف رسمی و توجه به مسائل مهمی چون حقوق بشر و عدالت زیست محیطی، امری ضروری است. ضررهای ناشی از رفتارهای گروه‌های قدرتمند و شرکت‌های فراملی عموماً با ضمانت‌اجراهای مدنی همراه می‌شود. این امر بازتاب تأثیر قدرتمندان بر گروه‌های سیاسی است؛ به طوری که رفتارهای ناقضان عدالت زیست محیطی در سباهه جرایم قرار نمی‌گیرد. جهت تبیین ماهیت ضرر زیست محیطی، مطالعه برداشتها و متغیرهای فراقانونی نیز الزامی است. تحلیل‌های زیست محیطی به نسبت تبیین‌های اقتصادی، تعریف متفاوتی از ضرر ارائه می‌دهد. ارزیابی آن چه جرم تلقی می‌شود و تخمین شدت ضرر آن بسته به منافع اجتماعی در فرایند جرم‌انگاری است (وایت، ۱۳۹۴: ۲۹). البته رویکرد جرم‌شناسانه با گذر از تعاریف رسمی جرم و عدالت کیفری، اصل قانونمندی را زیر پا می‌گذارد، اما باید به این نکته توجه شود که رویکرد جرم‌شناسانه انتقادی که در این قسمت محل بحث است، به دنبال تضییع حقوق و آزادی‌های فردی نیست، بلکه خود ریشه در جنبش‌های حقوق بشری دارد و رسالت آن، حفظ حقوق فردی می‌باشد. از این رو، درست است که رویکرد جرم‌شناسانه، با توجه به اصل ضرر، اصل قانونمندی را رد می‌کند، اما این راهبرد، تنها پیغامی برای سیاست‌گذاران جنایی دارد: مداخله کیفری در حوزه جرایم زیست محیطی ناکافی است (زارع مهدوی و دانش ناری، ۱۳۹۵: ۷۶). همان‌طور که میدانیم، رویکردهای انتقادی با زیر سؤال بردن شرایط موجود، به ساختارشکنی و مقابله با جریانهای غالب معروفند و از این رو، رد اصل قانونمندی به معنای نقض حقوق شهروندی نیست، بلکه هدف، به صدا درآوردن زنگ خطر برای نهادهای عدالت کیفری است. بنابراین، نمی‌توان توجه

به اصل ضرر و گذر از تعاریف رسمی جرم در رویکرد جرم شناسانه را خلاف آزادی فردی دانست، بلکه در اینجا، هدف حفظ حقوق شهروندی است؛ زیرا بر اساس رویکرد حقوقی، آسیب‌های زیست محیطی شدید که بهداشت و سلامت انسان را با مشکل مواجه می‌کند، قابلیت تعقیب کیفری را ندارد. مشخص است که دلیل این امر، عدم جرم‌انگاری آنها می‌باشد. اما رویکرد جرم‌شناسانه که به دنبال گسترش جرایم زیست محیطی است، در پی تضمین حقوق نامرئی انسان‌ها می‌باشد. بر اساس رویکرد حقوقی، اصل قانونمندی در خصوص جرایم زیست محیطی ملاک است. همان‌طور که میدانیم، تعریف جرم و به عبارت دیگر، اصل قانونمندی در اختیار نظام‌های سیاسی است. بر این اساس، می‌توان جرم را مفهومی سیاسی دانست. دولت‌ها با توجه به مبانی مشخصی چون پدرسالاری، اخلاق باوری قانونی و اصل ضرر، برخی رفتارها را جرم می‌انگارند. شواهد موجود نشان می‌دهد که دولت‌ها در تعریف جرم به رویکردهای ابزار گرایانه متوسل می‌شوند. بدین‌گونه که دولت‌ها در نظام جرم‌انگاری با مصلحت‌اندیشی^۱ و در نظر گرفتن مسائل سیاسی و فرهنگی، موازین عدالت را در فرایند قانون‌گذاری نقض می‌کنند. بر این اساس گروه‌های منتخب، با استفاده از سازوکارهای قدرت سیاسی و کنترل از بالا به پایین^۲، در پی حفظ مبانی فکری خویش برمی‌آیند و رفتارهای ناشایست خود را جرم‌انگاری نمی‌کنند. بر اساس مطالعات انجام شده، عمده جرایم زیست محیطی فرامرزی توسط دولت‌ها و شرکت‌های قدرتمند، ارتکاب می‌یابند. بنابراین، می‌توان این نتیجه را گرفت که از یک سو، عمده جرایم زیست محیطی فرامرزی توسط دولت‌ها ارتکاب می‌یابند و از سوی دیگر، دولت خود مسئول نظام جرم‌انگاری است. طبیعی است که در این حالت، دولت رفتارهای ناشایست خود را جرم تلقی نکند؛ زیرا جرم‌انگاری رفتارهای دولت، علاوه بر آن که انتقادات بسیاری را متوجه آن می‌کند، رفته رفته پایه‌های حکومت را نیز سست می‌کند. در این بستر، نظام جرم‌انگاری ابزاری در دست دولت است که به جای تحقق عدالت، به تداوم نظام سیاسی کمک می‌کند. از سوی دیگر، شرکت‌های قدرتمند نیز مرتکب بسیاری از جرایم زیست محیطی فرامرزی می‌شوند، اما عمده ضمانت‌اجراها در قبال قانون شکنی شرکت‌ها در حوزه آلودگی‌های زیست محیطی، ضمانت‌اجراهای مدنی است. این امر نیز بر اساس رویکردهای ابزار گرایانه در نظام جرم‌انگاری توجیه می‌شود. بر این اساس، لابی‌گروه‌های قدرت - ثروت موجب می‌شود تا رفتارهای مخرب گروه‌های متنفع اجتماعی، جرم‌انگاری نشوند. این امر، به خوبی بازتاب تأثیر گروه‌های قدرت و مصداق مناسب آن در فرایند جرم‌انگاری است (زارع مهدوی و دانش ناری، ۱۳۹۵: ۷۶).

بنابراین، توجه به اصل قانونمندی، نه تنها جلوه‌های نهان پدیده‌های بزهکارانه در قلمروی محیط زیست را نادیده می‌گیرد، بلکه به مثابه ابزاری در دست دولت قلمداد می‌شود تا رفتارهای ناشایست خود را جرم‌انگاری نکند. بنابراین، توجه به رویکردهای ابزار گرایانه در قلمروی عدالت کیفری نشان می‌دهد که تقید صرف به اصل قانونمندی موجب مباح تلقی شدن رفتارهای ناشایست دولت‌ها و شرکت‌ها در عرصه محیط زیست می‌شود؛ امری که با سیاست‌های دانش بنیان در عرصه عدالت کیفری تنافی دارد. در نتیجه، رویکرد انتقادی جرم‌شناسانه، با توسعه مفاهیم مربوط به جرم زیست محیطی، نگاه جامع و علمی‌تری در خصوص تعریف جرم زیست محیطی ارائه می‌دهد.

۲-۲- رویکرد حقوقی جرایم زیست محیطی

سیتو و امونزا در کتاب "جرایم زیست محیطی: نقش عدالت کیفری در حمایت از محیط زیست" بر این باورند که جرم زیست محیطی فعل یا ترک فعل غیر مجاز است که تخلف از آن، نقض قانون به شمار می‌رود و فرد را تحت تعقیب کیفری قرار می‌دهد.

^۱Instrumental approaches

^۲Criminalization system

^۳Pragmatism

^۴Top-Down Control

دهد (سیتو و مایکل، ۲۰۱۰: ۳). به اعتقاد برخی دیگر، عموماً تعریف جرم زیست محیطی در اختیار نظام های سیاسی است. از این رو، جرم به هر فعل یا ترک فعل معارض با تکالیف فرد اطلاق می شود که به رفاه عمومی آسیب زند. بر این اساس است که کیفر قانونی در جریان رسیدگی قضایی توسط نهادهای به نام دولت اعمال می شود. این رویکرد. از یک سو، دولت را هسته مرکزی تعریف رفتارهای مجاز (مباح) و غیر مجاز (بزهکارانه) می داند و از سوی دیگر، جرم را بر اساس متون قانون جنایی تحلیل می کند. به طور کلی در رویکرد حقوقی، ملاک شناسایی جرایم زیست محیطی، توجه به قوانین کیفری است؛ زیرا متخصصان این حوزه معتقدند که مرز میان رفتارهای مجاز و غیر مجاز توسط قانون جنایی مشخص می شود. به عبارت دیگر، می توان گفت که ملاک توجه پژوهش گران این عرصه، تکیه بر اصل قانونمندی جرم و مجازات است. بر این اساس و با توجه به مباحث پیش گفته، می توان چنین نتیجه گرفت که رویکرد حقوقی با برداشتهای جرم شناسی جریان غالب در خصوص جرایم زیست محیطی سازگار است؛ زیرا برداشتهای جرم شناسی جریان غالب در خصوص زیست محیطی، قوانین و توافق نامه های بین المللی را ملاک قرار می دهد. تمرکز اصلی، اصل قانون مندی و تقسیم رفتارها به فعالیت های مجاز و ممنوع است (زارع مهدوی و دانش ناری، ۱۳۹۵: ۶۴). با توجه به این که جرایم زیست محیطی در دیدگاه بین المللی امروز از نوع جرایم خطرناک و موجب نابودی زیست حیوانی و گیاهی می گردد می توان جرایم زیست محیطی که موجب تحریک قانون بین المللی می شود، شامل امور زیر دانست (زارع مهدوی و دانش ناری، ۱۳۹۵: ۷۲): نابودی و تخریب وسیع محیط زیست به مدت طولانی انتقال پسماندهای هسته ای به دریاها و دفن غیر قانونی آن ها فروش غیرقانونی حیوانات و گیاهان: ماهی گیری غیر مجاز، فروش الوار و تجارت غیرقانونی حیوانات وحشی. جرایم آلودگی های زیست محیطی: دفع غیرقانونی و انتقال آلودگی از طریق آب، هوا و زمین به واسطه فعالیت های صنعتی حمل و نقل مواد ممنوع: انتقال غیرقانونی مواد پرتوزا و پسماندهای خطرناک (زارع مهدوی و دانش ناری، ۱۳۹۵: ۷۲). بسیاری از این جرایم در قوانین داخلی و بین المللی به رسمیت شناخته شده اند. از این رو، به محض ارتکاب جرم بر اساس متون قانون جنایی است که جرم شناسی جریان غالب کار خود را آغاز می کند (وایت، ۱۳۹۴: ۶۰).

۲. شناخت جرایم زیست محیطی در ماده ۵۵ قانون حفاظت و بهره برداری

ماده ۵۵ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع کشور مقرر داشته است: هر کس به قصد تصرف به منابع ملی مذکور در ماده ۱ قانون ملی شدن جنگلهای کشور تجاوز کند به یکسال تا سه سال حبس تأدیبی محکوم خواهد شد. مقدمتا باید گفت اشاره به قصد تصرف در صدر ماده مرقوم، در واقع همان عنصر معنوی یعنی قصد تملک و اظهار مالکیت می باشد. بنابراین ترکیب «قصد تصرف، خالی از مسامحه نیست و بهتر آن بود که متن ماده به این مضمون انشاء می گردید: «هرکس به قصد تملک، منابع ملی مذکور در ماده ۱ قانون ملی شدن جنگلهای کشور را تصرف کند...». البته منظور از تملک، تحصیل حق مالکیت با هرگونه حقی اعم از عینی و دینی است.

ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات و مجازات های بازدارنده) نیز که در تاریخ ۱۳۹۲/۰۲/۰۱ به تصویب رسیده است مقرر می دارد: «هر کس به وسیله صحنه سازی از قبیل پیکنی، دیوارکشی، تغییر حد فاصل و امحا مرز، گرفتند. هرکشی، حفر چاه، غرس اشجار و زراعت و امثال آن به تهیه آثار تصرف در ارا ن مزروعی اعم از کشت شده یا در آیش زراعی، جنگلها و مراتع ملی شده، کوهستان باغها و قلمستانها... به منظور تصرف با ذیحق معرفی کردن خود و یا دیگری مبادرت نماید با بدون اجازه سازمان حفاظت محیط زیست با مراجع ذیصلاح دیگر مبادرت به عملیاتی نماید که موجب تخریب محیط زیست

و منابع طبیعی گردد یا اقدام به هرگونه تجاوز و تصرف عدوانی با ایجاد مزاحمت با ممانعت از حق در موارد مذکور نماید به مجازات یک ماه تا یک سال حبس محکوم می‌شود. دادگاه موظف است حسب مورد رفع تصرف عدوانی با رفع مزاحمت یا ممانعت از حق یا اعاده وضع به حال سابق نماید. همانگونه که ملاحظه می‌گردد عنصر مادی تصرف در این ماده، تقریباً با عنصر مادی جرم منطبق گردیده است. قانونگذار بر سبیل مثال برخی از اعمال مادی را که سرآغاز تصرف محسوب می‌شود به عنوان تصرف عدوانی به جا آورده است. همانگونه که ملاحظه می‌گردد عنصر مادی تصرف در این ماده، تقریباً با عنصر مادی جرم منطبق گردیده است. قانونگذار بر سبیل مثال برخی از اعمال مادی را که سرآغاز تصرف محسوب می‌شود به عنوان عنصر مادی جرم به حساب آورده است. لازم به ذکر است اعمال حقوقی از این دسته بیرون مانده اند. زیرا اینگونه تصرفات عنوان مجرمانه دیگری به خود اختصاص می‌دهند. در عنصر معنوی جرم نیز رکن روانی مستتر می‌باشد یا تعریفی که در ماده مذکور منهی و ممنوع گردیده تصرفی است که به قصد تملک با ذیحق معرفی کردن منصرف، صورت پذیرفته باشد. از مقایسه این دو ماده، یعنی ماده داد قانون حفاظت و بهره برداری و ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی، به خوبی بر می‌آید که ماده‌ی احید .. تا حده زیادی نقص ماده ۵۵ را جبران کرده است. چرا که در آن عنصر مادی و موعود تشرف. به وضوح از یکدیگر متمایز شده اند و تصرفاتی هم که فاقد عنصر معنی هستند مورد حکم قرار گرفته اند (قسمت اخیر ماده ۶۹۰) به عبارت دیگر قانونگذار حرف عملیات مادی تصرف جنگلها و مراتع را قابل مجازات دانسته است. راجع به این موضوع در بحث مربوط به بررسی عناصر جرم توضیحات بیشتری خواهیم داد. (ش ۵۱) بدین ترتیب می‌توان سخن از نسخ ضمنی ماده ۵۵ (و نه تبصره های آن به میان آورد به ویژه آنکه مجازات جرم نیز در دو ماده مزبور متفاوت است. در واقع قانونگذار از اجمال ماده ۵۵ دست شنه و در ماده ۶۹۰ با نفعبل بیشتر حکم رانده است. اگر مجازات مقرر در ماده ۵۵ به موجب ماده ۶۱۰ تغییر نکرده بود، امکان داشت که رابطه این دو ماده را رابطه مجمل و مبین انگاشت ولی با تغییر نوع مجازات، چاره ای جز التزام به نسخ ضمنی نیست (خدادای، ۱۳۹۸: ۱۲۶).

۱-۱- تخریب و حریق در منابع ملی زیست محیطی

جنگلها و مراتع یکی از مهمترین منابع اقتصادی تجدید شونده و مستمر کشور به شمار می‌آیند. بنابر این از بین بردن آنها به هر طریق صدمه ای بر پیکر اقتصادی کشور وارد می‌آورد که جبران آن اگر نگوئیم که امکان پذیر نیست، بسیار مشکل است. به همین دلیل قانونگذار برای تخریب یا ایجاد آتش سوزی در جنگلها و مراتع مجازاتهایی را مقرر کرده است به گونه ای که اینگونه جرائم را می‌توان در عداد جرائم ویژه و خاص در نظر گرفت که عنصر قانونی آنها از قوانین مجازات عمومی به قانون خاصی منتقل شده است (میرزایی، ۱۳۹۳: ۲۱۲).

به موجب ماده ۴۲ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع: بریدن و ریشه کن کردن و سوزانیدن نهال و درخت و تهیه چوب و هیزم و ذغال از منابع ملی و توده های جنگلی بدون اخذ پروانه از وزارت منابع طبیعی ممنوع است. مرتکب در مورد بریدن ریشه کن کردن و سوزانیدن هر اصله نهال به پرداخت جریمه نقدی از ۲۰ تا ۵۰ ریال مورد بریدن و ریشه کن کردن درخت و تهیه چوب و هیزم و ذغال به حبس تأدیبی از ار روز تا شش ماه و پرداخت جریمه نقدی از یکصد تا یک هزار ریال نسبت به هر اصله درخت با هر متر مکعب هیزم با ذغال محکوم می‌شود.

در تمام موارد عین مال نیز ضبط و به ترتیب مقرر در ماده ۲۸ این قانون عمل خواهد شد. همچنین طبق ماده ۴۳ همان قانون بریدن و ریشه کن کردن بوته ها و خارها و درختچه های بیابانی و کویری ر کوهستانی در مناطق کویری و بیابانی ممنوع و جرم است و مرتکب حبس تکدیری تا ۱۰ روز با پرداخت جزای نقدی تا ۲۰۱ ریال محکوم می‌شود و در صورت تکرار جرم مجازات تشدید شده و به هر دوی آنها محکوم می‌گردد. البته انجام اعمال مذکور در صورتیکه به منظور زراعت، درختکاری و ایجاد بادشکن یا مرتع اعم از مشجر و غیر مشجر و همچنین حوائج دیگر اهالی باشد با اجازه سازمان جنگلبانی و طبق

شرایطی که از طرف این سازمان تعیین می شود مجاز است. موارد پیش بینی شده فوق الذکر در واقع از عوامل موجهه جرم به شمار می آیند. ماده ۴۳ مرقوم از این حیث که فقط بریدن و ریشه کن کردن گونه های گیاهی در مناطق بیابانی و کویری را جرم محسوب نموده و در خصوص ارتکاب این اعمال در سایر مناطق ساکت می باشد قابل انتقاد به نظر می رسد چرا که با توجه به اصل تفسیر مضیق قوانین جزائی و تفسیر قانون به نفع متهم و مهمتر اصل قانونی بودن جرم و مجازات، نمی توان کسی را که مبادرت به بریدن و ریشه کن کردن بو نه ها و خار ها و درختچه ها در غیر مناطق بیابانی و کویری می نماید. تحت تعقیب کیفری قرار داده و مجازات کرد. البته در حال حاضر هرگونه عملیاتی که موجب تخریب محیط زیست و منابع طبیعی گردد. مطابق ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی که شرح آن گذشت ش ۴۹، ۵۱) حره شناخته شده است.

ایجاد آتش سوزی در جنگل نیز به دو نوع عمادی و غیر عمادی پیش بینی شده و برای هر یک مجازاتی مستقل در نظر گرفته شده است: به موجب ماده ۴۷ قانون حفاظت و بهره برداری هر کسی در جنگل عمدا آتش سوزی ایجاد نماید به حبس مجرد از ۳ تا ده سال محکوم می شود (میرزایی، ۱۳۹۳: ۱۷۲).

در صورتی که مرتکب مأمور جنگلبانی باشد به حداکثر مجازات محکوم خواهد شد. بنابراین چنانچه عنصر مادی جرم توسط یکی از کارکنان سازمان جنگلها و مراتع، صورت پذیرد از کیفیات مشدده محسوب و مرتکب به حداکثر مجازات مقرر محکوم می گردد. ماده ۶۷۵ قانون مجازات اسلامی نیز در این خصوص می گوید: «هر کس عمده... جنگل... متعلق به دیگری را آتش بزند به حبس از دو تا پنج سال محکوم می شود، که به نظر می رسد در مورد جنگلهای عمومی مقررات قانون حفاظت و بهره برداری حاکم است. آتش سوزی غیر عمدی در جنگل، موضوع ماده ۴۵ قانون حفاظت و بهره برداری است: «آتش زدن نباتات در مزارع و باغات داخل یا مجاور جنگل بدون اجازه و نظارت مأمورین جنگلبانی ممنوع است. در صورتی که در نتیجه بی مبالاتی حریق در جنگل ایجاد شود مرتکب به حبس تأدیبی از دو ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. در واقع آنچه در این ماده پیش بینی شده، آتش افروزی مستقیم در جنگل نیست بلکه فرض قانون این است که مرتکب در مزرعه یا باغ خود که در داخل یا مجاورت جنگل است آتش افروخته و بر اثر بی مبالاتی او که از اقسام تقصیر جزایی می باشد آتش به جنگل سرایت مینماید.

باید توجه داشت که مفاد این ماده را بایستی با توجه به ماده ۵۲۱ قانون مجازات اسلامی تفسیر نمود. به موجب ماده ۵۲۱ «هرگاه شخصی در ملک خود با مکان مجاز دیگری، آتشی روشن کنند و بدانند که به جایی سرایت نمی کند و غالباً نیز سرایت نکند. لکن اتفاقاً به جای دیگر سرایت نماید و موجب خسارت یا صدمه گردد ضمان ثابت نیست و در غیر این صورت ضامن است. از جمع میان این مواد می توان نتیجه گرفت که هرگاه مالکی در مزرعه یا باغ خود که در داخل جنگل با مجاور آن است. بدون اطلاع و نظارت مأموران جنگلبانی آتش برافروزد هر چند به مقدار نیاز خود باشد و عادتاً هم به جایی سرایت نکند ولی اتفاقاً آتش در جنگل افتاده و سبب آتش سوزی گردد، از لحاظ جزایی مقصر و در خور مجازات است. زیرا نام اطلاع به مأمورین جنگلبانی، اماره تقصیر او است و در این مورد مفاد ماده ۴۵ قانون حفاظت و بهره برداری بر ماده ۵۲۱ قانون مجازات اسلامی حاکم است. یعنی آتش افروزی در ملک خود بدون اجازه و نظارت مأموران ذیربط نوع خاصی از تقصیر جزایی قلمداد شده است (خدادادی، ۱۳۹۸: ۱۳۲).

۳. جرایم زیست محیطی علیه جنگل ها و مراتع ملی بر اساس ماده ۶۹۰

رکن مادی جرم بنابر مستنبط از ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی عبارت است از: اقدام به هرگونه صحنه سازی از قبیل پیکنی، دیوارکشی، تغییر حد فاصل و امحاء مرزه کرت بندی، نهرکشی، حفر چاه، غرس أشجار و زراعت و امثال آن در جنگلها و مراتع

و تهیه آثار تصرف و به منظور ذبح معرفی کردن خود با دیگری و همچنین اقدام به ایجاد مزاحمت و ممانعت از حق در آنها. موارد مذکور در این ماده جنبه حمري نداشته و تمثیلی است. لذا اقدام به هر عملی ی نه به آثار تصرف ابتدایی محسوب شود. حتی اگر تصرف مادی و بالفعل نباشد مانند تغییر حد فاصل و امحای مرز و همچنین مبادرت به تصرف مادی و عینی جنگلها و مراتع و ایجاد مزاحمت برای متصرفین قانونی جنگلها و مراتع و ممانعت از انتفاع و بهره برداری مجاز از اینگونه اراضی عنصر مادی این جرم را تشکیل می دهد (معین الدین، ۱۳۸۹: ۱۱۴). با توجه به آنکه صرف مبادرت به این گونه اعمال، بدون مجوز قانونی، اماره سوءنیت و مبنای مجازات شخص منحرف قرار گرفته است و از سویی جرم تصرف عدوانی مقید به حصول نتیجه نشده است و از این جهت در عداد «جرائم مطلق» به شمار می آید. لذا عنصر روانی جرم تصرف عدوانی «سوءنیت عام یا قعد عمل است که با حصول رکن مادی و احراز عدم وجود مجوز قانونی یعنی شروع به عملیات مادی بدون مجوز، سو مثبت مفروضی خواهد بود و نیازی به اثبات آن نمی باشد. بنابراین برای تحقق این جرم، ضرورتی ندارد که منصرف به قصد مالکیت اراضی ملی شده را تصرف کند. بلکه همین قدر که معلوم شود او قصد عمل تصرف را داشته است. برای مجرمیت وی کافی است. عنصر قانونی این جرم ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی به شرحی که گذشت می باشد و مجازات مقرر برای آن، حبس تعزیری از یک ماه تا یک سال و رفع تصرف است. نکته مهم آنکه دستور رفع تصرف پس از ثبات جرم، جزئی از مجازات بوده و به همین دلیل در دعاوی کیفری که در چارچوب ماده ۶۹۰ مطرح می شوند نیازی به تقدیم دادخواست خلع ید نیست. قانون مجازات اسلامی و تحلیل آن، نوبت آن است که توضیحی راجع به چند نکته مهم در خصوص تعقیب کیفری کسانی که مبادرت به تصرف عدوانی اراضی ملی می نمایند، ارائه شود:

الف) در صورتی که سابقه تصرف متصرف زمین به پیش از ملی اعلام شدن آن بازگردد. پس از اعلام ملی بردن زمین. نمی توان علیه متصرف شکایت کیفری ملی کرده زیرا قبل از آنکه تشریفات ملی کردن جریان یابد، زمین هنوز در زمره اموال عمومی در نیامده است تا تصرف آن عدوانی محسوب شود و می دانیم که به موجب ماده ۶۹۰ تصرف با ایجاد آثار آن در صورتی جرم است که نسبت به جنگلها و مراتع و به عبارت دیگر اراضی ملی شده صورت پذیرفته باشد.

ب) اگر تصرف در فاصله بین تشخیص مأمورین رسمی و اعتراض به این تشخیص انجام گیرد. تعقیب کیفری تا حصول نتیجه و صدور رأی قطعی کمیسیون موضوع ماده واحده قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی... متوقف می شود. این امر از مفاد تبصره ۱ ماده ۵۵ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع مستفاد میگردد: (توضیح آنکه اعتبار تبصره های ماده ۵۵ به رغم خود ماده همچنان به قوت خود باقی است. در این تبصره می خوانیم: «وزارت کشاورزی و منابع طبیعی مکلف است به وسیله گارد جنگل و مأموران خود به محض اطلاع رفع تجاوز کند و در صورتی که تشخیصی وزارت کشاورزی و منابع طبیعی نسبت به منابع ملی مذکور در این ماده اخطار با آگهی شده باشد و مراتب را به دادرسی محل اعلام دارد دادرسی منتهی را مورد تعقیب کیفری قرار می دهد. مگر اینکه نسبت به تشخیص وزارت کشاورزی و منابع طبیعی در مهلت مقرر در اخطار با آگهی اعتراض شده باشد که در این صورت تعقیب کیفری متوقف و ادامه آن موکول به حصول نتیجه اجرای کامل مقررات ماده ۵۶ خواهد بود.

همانگونه که گفته شد (ر.ج. ش ۳۰ با توجه به اینکه امروزه دیگر هیات مقرر در ماده واحده قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی... جایگزین کمیسیون ماده ۵۶ شده است. ادامه تعقیب کیفری موکول به اظهار نظر قطعی این هیات مبنی بر تأیید نظریه تشخیص مأمور منابع طبیعی می باشد).

ج) تعرف عدوانی اراضی ملی شده از جمله جرائم قابل گذشت بوده و تعقیب کیفری متهم با اعلام رضایت مدعی خصوصی که در واقع همان دولت است و مسامحه مدعی خصوصی نامیده می شود، متوقف می شود. چنانکه با شکایت سازمان دولتی نیز آغاز می گردد.

مجازند نسبت به جرائمی که طبق مفاد این قانون جنده باشد به استثنای موارد مذکور در ماده ۴۹ و نمره های او ۲ ماده ۵۲ با وصول جرائم و خسارات از نعیب جزایی منعم نطف برای یک مرتبه صرف نظر کنند. و تعقیب مرتکب منوط به شکایت رئیس با نماینده سازمان مزبور است. از بررسی مفاد این ماده اینگونه بر می آید که اختیار اعلام رضایت و گذشت از تعقیب کیفری تنها برای رئیس سازمان جنگلبانی و نمایندگانی که از موی او برگزیده می شوند، وجود دارد و در هر مورد آنان باید اظهار نظر کنند. همچنین امکان استفاده از این اختیار قانونی برای هر فردی که متهم به تصرف عدوانی اراضی ملی گردد. فقط برای یک مرتبه وجود دارد. بنابراین کسانی که مرتکب تکرار این جرم می شوند. نمی توانند درخواست اعمال ماده ۵۹ را بنمایند. در ضمن شرط اعمال این ماده، اخذ جرایم نقدی و خسارات وارده در هر مورد و به طریق اولی خلع ید مرتکب و رفع تصرف از اراضی ملی شده می باشد. و در نهایت تعقیب کیفری و رسیدگی به جرم تصرف عدوانی اراضی ملی منوط به اعلام شکایت سازمان جنگلها و مراتع کشور و ادارات مربوطه است (خدادادی، ۱۳۹۸: ۱۲۸).

۲-۱- چراندن دام بدون پروانه چرا یا برخلاف شرایط و مندرجات پروانه

همه مهمترین استفاده ای که از مراتع ملی حاملخیز و فنی به عمل می آید تعلیفی است. ولی اگر در این نحوه استفاده افراط شود و مراتع مورد چرای بی رویه قرار گیرد دیری نمی پاید که این ثروتهای عمومی نابود شوند. از این رو دولت باید بر چگونگی چرای دام، در مراتع نظارت دائمی و مستمر داشته باشد. در همین راستا آیین نا اجرایی نبرها بند ۵ الحاقی ماده ۸۴ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۸۲ / ۸ / ۱۱ هیئت وزیران پروانه چرا (پروان بهره برداری مراتع) را رسمیت و اعتبار ویژه بخشیده و برای دارندگان آن جفوه مخصوص قائل گردیده است. ایضا به موجب این آیین نامه جهت صدور پروانه ضوابط خاص منظور و واگذاری محدوده های آن منوط به احراز شرایطی شده است. ماده ۲۴ مکرر قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع ضرورت و اصل کلی نظارت دولت را چنین تبیین می نماید: «چراندن دام در منابع ملی مذکور در ماده یک قانون ملی شدن جنگلهای کشور بدون اخذ پروانه مطلقا ممنوع است. وزارت منابع طبیعی مکلف است دام افرادی را که بدون پروانه مبادرت به چرای دام می نمایند به نفع خود ضبط نموده و بدون رعایت تشریفات مزایده به فروش برساند در مورد صاحبان پروانه های چرا که برخلاف مندرجات پروانه صادره مبادرت به چرای دام اضافه بر تعداد مجاز در پروانه نمایند به ترتیب فوق رفتار خواهد شد. و دام اضافه بر ظرفیت چرا به نفع وزارت منابع طبیعی ضبط و به فروش می رسد (مصداتی، ۱۳۸۲: ۱۸)، نحوه اجرای ماده مرقوم به موجب آیین نامه اجرایی آن که به سال ۱۳۴۹ به تصویب کمیسیون مشترک مجلسین رسیده، تعیین شده است.

بر اساس این آیین نامه، سرپرستها و روسای ادارات منابع طبیعی و آن عده از کارمندان مربوط که به موجب قانون در حکم ضابط دادگستری شناخته می شوند. منحصرأ مجاز به ضبط و فروش دام افرادی که بدون پروانه یا زائد بر پروانه مبادرت به چرای دام می نمایند می باشند. دامهای ضبط شده برای فروش به کشتارگاهها عرضه و طی صورتجلسه ای از طریق حراج به فروش رسیده و وجوه حاصل به حساب مخصوص واریز می گردد (خدادادی، ۱۳۹۸: ۱۲۹).

^۱ در نظام حقنری پیشین جرم تصرف عدوانی دارای درجه اجنحه بود.

۴. جرایم زیست محیطی علیه بیشه های طبیعی

عناصر بزه های تخریب و تجاوز نسبت به اراضی ملی در مورد بیشه های طبیعی نیز صادق است که در قوانین موضوعه بیان شده است. از آن جمله می توان به ماده ۵۵ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل ها و مراتع و ماده ۱۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ اشاره کرد. اما این عناصر برای تعقیب جرائم مزبور کافی نیست؛ زیرا علاوه بر عناصر مندرج در قوانین موضوعه، شرط تحقق بزه تخریب و تصرف عدوانی نسبت به اراضی ملی. اعمال مقررات ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل ها و مراتع و یا اعمال ماده ۲ قانون حفظ و حمایت از ذخایر جنگلی از حیث تشخیص اراضی منی از مستثنیات اشخاصی نیز دانسته شد. به عبارت کامل تر تا زمانی که مأمورین صلاحیت دار دولت، ملکی را جزء اراضی ملی تشخیص ندهند و راجع به آن برگ تشخیص و آگهی تشخیص قطعی صادر ننمایند. بزبدهای تخریب و تصرف عدوانی در مورد چنین املاکی قابلیت انتساب پر مرتکبین را ندارد. شرط موصوف که به عنوان یکی از شرایط اختصاصی بزبدهای تخریب و تصرف عدوانی به اراضی ملی شده محسوب می گردد، در رأی وحدت رویه شماره ۳۵ مورخ ۱۳۵۳۰۳: ۲۹ هیئت عمومی دیوان عالی کشور ذکر شده است. ^۱ بیشک تخریب و نعرف جنگلها و مراتع قبل از ملی شدن جنگل ها و مراتع (۱۳۹۱ / ۱۰ / ۳۰)، قابل تعقیب جزایی نمی باشد اما چنانچه فردی پس از ملی شدن جنگل ها و مراتع، نسبت به اراضی ملی شده اقدامی مخربانه و منصرفانه داشته باشد؛ از حیث انتساب بزبدهای تخریب و تصرف عدوانی نسبت به وی، ممکن است در حالت های مختلفی رخ دهد که به شرح زیر بیان می شود .

الف: اگر تخریب و تصرف بعد از ملی شدن جنگل ها و مراتع و پیش از تشخیص مأمور صلاحیت دار دولتی رخ دهد، بی تردید با توجه به رأی وحدت رویه ی موصوف. جرم محسوب نمی شود. برخی این اقدام را به مثابه این دانسته اند که شخصی مرتکب تخریب و تصرف در منابع طبیعی شده است که بدون مالک است (حسن زاده، ۱۳۹۰: ۸).

ب: تخریب و تصرف نسبت به اراضی ملی شده. بعد از تشخیص منابع ملی از مستثنیات و صدور آگهی آن در جرایم و قبل از سپری شدن مهلت اعتراض و قطعی شدن تشخیص رخ دهد. در این فرض نیز بزبدهای تخریب و تصرف عدوانی تحقق پیدا نمی کند زیرا مقصود از اعمال تشخیص همانا قطعیت آن می باشد. نظریه شماره ۷/ ۷۹۹۸ مورخ ۱۳۷۷ / ۱۲ / ۲۳ اداره حقوقی قوه قضاییه همین عقیده را تایید می کند (عموزاده مهدرجی، ۱۳۹۸: ۲۲۳).

پ: چنانچه فردی پس از فتلعت تشحیم به اراضی ملی شده تجاوز نماید و یا آن را تخریب کند. بر ابر قوانین موصوغه کیف و قابل تعقیب جزایی می باشد. در این فرض عدم صدور سند مالکیت به نام دولت نافی مالکیت دولت و مانع تعقیب جزایی مرتکب نمی گردد. در این راستا در نظریه شماره ۷. ۷۹۹۸ مورخ ۱۳۷۷ : ۱۲ : ۲۳ اداره حقوقی قوه قضاییه آمده است: «در صورت قطعی شدن تشخیص منابع طبیعی اعم از اینکه سند مالکیت به نام دولت صادر شده باشد یا نه تجاوز به محدوده ملی شده، تجاوز به منابع طبیعی است و متجاوز قابل تعقیب کیفری است و ادعای مزروعی بودن زمین پس از تشخیص قطعی مرتع با جنگل بودن آن مانع تعقیب کیفری متجاوز و مجوز ادامه تجاوز نخواهد بود اما اگر تشخیص منابع طبیعی قطعی نشده باشد و هنوز مرتع بودن یا نی بودن زمین محرز و قطعی نگردیده باشد نمی توان متصرف را تحت تعقیب کیفری قرار داد و

^۱ در این رأی آمده است:، استنباط شعبه چهارم دادگاه استان ششم از ماده ۱ قانون ملی شدن جنگل ها مصوب سال ۹۱ و ماده ۵۵ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل ها مصوب سال ۱۳۶۸ که در نتیجه بدون اجرای مفاد ماده ۵۶ تخریب جنگل تجاوز به منابع ملی شده را قابل تعقیب دانسته اند با اصول و مقررات قانون وفق نمی دهند زیرا مطابق قانون صریح ماده ۵۹ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل ها مصوب سال ۱۳۶۸ تشخیص منابع ملی شده به عهده وزارت منابع طبیعی محول و نوبت اعتراض اشخاص ذینفع در ظرف مدت معین از اخطار کتبی با آگهی و همچنین ترتیب رسیدگی به اعتراضات وارد معین گردیده است بنابراین در مورد ماده ۵۵ مرقوم تعقیب جزایی در مورنی مجال خواهد بود که مقررات ماده ۵۱ از حیث تشخیص منابع ملی اجرا شده باشد و به همین لحاظ همین عمومی دیوان عالی کشور تصمیم شعبه اول و دوم دادگاه استان ششم که اجرای ماده ۹۶ را ۲ دانسته اند صحیح می دانند این رأی به دستور ماده ۳ اضافه شده به آیین دادرسی کیفری باید از طره دادگاهها در مورد مشابه پیروی شود

این مورد از موارد اناطه و منوط به تعیین قطعی وضع زمین خواهد بود. برخی ایراد نمودند چنانچه نسبت به عرصه ای عملیات تشخیص به طور قطع تحقق یابد اما به جهت عدم اعتراض به تشخیص، موضوع در کمیسیون ماده ۵۶ مطرح نشده باشد لذا متجاوزین و متصرفین به این گونه عرصه ها قابل تعقیب جزایی نیستند (عموزاده مهدیرجی، ۱۳۹۸: ۲۲۴).

۵. جرایم زیست محیطی علیه بیابان و کویر

مشکلاتی که آب و کمی را در حال حاضر تهدید می کند دفن زباله ها و پسماند های هسته ای در آن است این عمل به صورت غیرقانونی و خارج از استاندارد صورت بگیرد یک جرم محسوب می شود که البته برای این جرایم تعریف بسیار دقیقی وجود ندارد اما طبق معاهدات بین المللی و قوانین داخلی می توان برای این مسئله مجازات هایی را پیش بینی کرد. هرچند در مقررات ملی شدن جنگلها و مراتع، کویر و بیابان در ردیف اراضی ملی شده قرار نگرفت؛ اما به نظر نگارنده، با دقت در مقررات موضوعه و نیز کنکاش در وضعیت پوشش گیاهی اراضی بیابانی و کویر به دست می آید؛ بنا به دلایل زیر کویر و بیابان هم جزء عرصه های مشمول ملی شدن جنگلها و مراتع می باشد: اول اینکه در تصویب نامه قانونی ملی شدن جنگلها و مراتع مصوب ۱۳۶۱، قیدی از بیابان و کویر دیده نمی شود؛ اما در بند ۳ ماده یک آیین نامه آن و نیز در بند ۳ ماده یک قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل ها و مراتع مصوب ۱۳۶۹ واژه «بوته کویری» تعریف شده است. دوم اینکه در ماده ۹۲ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل ها و مراتع مصوب ۱۳۶۹، بریدن، ریشه کن کردن بوته ها، خارها و درختچه های بیابانی و کویری جرم دانسته شد. این اقدام قانونگذار دلالت بر آن دارد که کویر و بیابان جزء اراضی ملی محسوب می گردد (مصدق، ۱۳۸۸: ۲۱۹). سوم اینکه پس از مطالعه تیپ های نباتی مراتع ایران در می یابیم؛ بیابانها به خاطر نوع پوشش گیاهی بومی جزء مراتع شناخته می شوند. به همین جهت قانون گذار نیازی به ذکر نام کویر و بیابان ندیده است (مصدقی، ۱۳۹۲: ۱۵). چهارم اینکه قانون گذار در تبصره ۵ ماده ۳۶ اصلاحی و الحاقی ۱۳۷۲ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل ها و مراتع مصوب ۱۳۶۹، واگذاری اراضی بیابانی و کویری مستعد در قالب طرح های مصوب درخت کاری، بوته کاری، مرتعداری و آبخیزداری را اجازه داده است. حکم قانون گذار دلالت بر آن دارد، بیابان و کویر جزء اراضی ملی است و واگذاری آن نیازمند اذن مقنن می باشد. پنجم اینکه قانونگذار در قانون الحاق یک تبصره به ماده ۴ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل ها و مراتع مصوب ۱۳۸۶، جنگل های دست کاشت و مراتعی را که در اجرای وظیفه احیا و توسعه منابع طبیعی از قبیل طرح های جنگلداری، مرتعداری و بیابان زدایی ایجاد شده باشند، در حکم اراضی ملی دانست. از مفهوم قانون الحاقی مزبور به دست می آید؛ قانون گذار ملی بودن اراضی بیابانی و کویری را مفروض دانسته است. به طوری که مراتع مصنوعی ایجاد شده در اراضی بیابانی و کویری توسط انسان را در حکم مراتع طبیعی تلقی کرد. دفع زباله اتمی از نظر فنی یعنی ایزوله کردن یا رقیق کردن این مواد به طوری که خطر تشعشعات آن تا اندازه ای پایین بیاید که برای زیست کره خطری نداشته باشد. برای رسیدن به این هدف، عملی ترین راه حل فعلی دفن کردن زباله ها در عمق زمین، در یک مدفن دائمی و ایمن است که روش های ویژه علمی دارد. از میان روش هایی که برای دفن زباله اتمی پیشنهاد شده، از نظر سازمان بین المللی انرژی اتمی، همین شیوه، امن ترین و بهترین روش است. با وجود این، درباره دفن ایمن زباله های هسته ای با وجود رعایت نکات ایمنی هنوز انتقادهایی وجود دارد. انبارش سامانه طبقه بندی پسماند پرتوزای آژانس بین المللی انرژی اتمی (فصل ۹ را ببینید) گزینه های مستعد دفن پسماند برای انواع طبقه بندی های پسماند را تعیین می کند که بر مبنای مشخصات ویژه آنها، شامل پرتوزایی ویژه، و طول عمر اجزای پرتوزا که مشخصه های کلیدی هستند استوار است. دفن نزدیک به سطح، یک انتخاب مناسب برای دفن پسماندهای با پرتوزایی سطح

^۱ <http://newspaper.hamshahrionline.ir/>, 1397 / 2/2

پایین تا متوسط حاوی هسته های پرتوزای دارای عمر کوتاه به حساب می آید که طی چند دهه یا قرن، تا رسیدن به سطوح پرتوی ناچیز، واپاشی می کنند. مطابق واژگان آژانس بین المللی انرژی اتمی، دفن نزدیک به سطح می تواند شامل انواع مختلف تأسیسات دفن باشد، مانند واحدهای دفن توأم با یا بدون انواع مختلف سامانه های موانع طراحی شده واقع بر سطح، در عمقهای از چند متر، تا تأسیساتی که پسماند را در عمق دهها متر در گودال های صخره ای و گمانه ها جای می دهند (آی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۳۶).

۳-۱- دفع غیر قانونی زباله های خطرناک در بیابان ها و کویر

پسماندها به خصوص زباله های خطرناک مورد توجه اسناد بین المللی هم چون فصول ۱۹ مدیریت مواد شیمیایی سمی، ۲۰ (زباله های خطرناک)، ۲۱ (زباله های جامد و فاضلاب)، ۲۲ (زباله های اتمی) دستور کار ۲۱، کنوانسیون جلوگیری از آلودگی دریایی ناشی از دفع مواد زاید و دیگر مواد مصوب ۱۹۷۲ و کنوانسیون بازل درباره کنترل انتقالات برون مرزی مواد زاید زیان بخش و دفع آنها ۱۹۸۹ قرار گرفته است. بند «ب» ماده ۲ قانون مدیریت پسماند مصوب ۱۳۸۳ ایران برخلاف قانون مجازات جمهوری فدرال آلمان پسماند را تعریف کرده. مطابق این بند: «پسماند به مواد جامد، مایع و گاز (غیر از فاضلاب) گفته می شود که به طور مستقیم یا غیرمستقیم حاصل از فعالیت انسان بوده و از نظر تولید کننده زائد تلقی می شود». پسماندها مطابق ادامه همین بند به پنج گروه عادی، پزشکی (بیمارستانی)، ویژه، کشاورزی و صنعتی تقسیم میشوند. اما بزه هایی که در این قانون پیش بینی شده است را می توان در سه دسته بررسی کرد. دسته اول که شامل نگهداری، مخلوط کردن، جمع آوری، حمل و نقل، خرید و فروش، دفع، صدور و تخلیه پسماند در غیر موارد مقرر قانونی مطابق ماده ۱۶ قانون مزبور بزه تلقی شده و برای آن کیفر در نظر گرفته شده است. اما دو نکته در خصوص رفتار فیزیکی بزه مزبور لازم به ذکر است. اول آن که رفتارهای فیزیکی مقرر در ماده جنبه حصری داشته و نه تمثیلی. بنابراین رفتار فیزیکی لازم برای تحقق بزه مزبور باید یکی از رفتارهای «نگهداری، مخلوط کردن، جمع آوری، حمل و نقل، خرید و فروش، صدور و تخلیه» در غیر موارد مقرر قانونی باشد. دوم آن که از ظاهر ماده بر می آید که این بزه با ارتکاب فعل مثبت و انجام کار تحقق می یابد، نه ترک فعل. دسته دوم شامل ممنوعیتی است که در ماده ۱۳ این قانون مقرر شده است. مطابق ماده ۱۳: «مخلوط کردن پسماندهای پزشکی با سایر پسماندها و تخلیه و پخش آنها در محیط و یا فروش، استفاده و بازیافت این نوع پسماندها ممنوع است». دسته سوم نیز الزامی است که برای انتقال پسماندهای ویژه پیش بینی شده است. مطابق ماده ۱۴: «نقل و انتقال برون مرزی پسماندهای ویژه تابع مقررات کنوانسیون بازل و نظارت مرجع ملی کنوانسیون خواهد بود، که عدم رعایت آنها موجب نقض کنوانسیون از سوی اعضا می شود. مهم ترین مقررات موضوع این کنوانسیون برای نقل و انتقال برون مرزی پسماندهای ویژه، در مواد ۶ تا ۹ این کنوانسیون مصرح گشته اند. از جمله این که: کشور صدور باید کتبا و از طریق مرجع صالح کشور صدور، مرجع صالح کشورهای ذی نفع را از هر گونه انتقال برون مرزی زباله های مضر یا سایر انواع زباله که در نظر دارد انجام دهد مطلع سازد، یا از ایجاد کننده یا صادر کننده زباله ها بخواهد که چنین اقدامی را به عمل آورد. در قانون ایران بسته به نقض کدام دسته از پسماندها میزان جزای نقدی نیز تغییر می کند، اما در مجموع ماده ۱۶ قانون مدیریت پسماند تنها ضمانت اجرای کیفری این قانون است، حال آن که در قانون مجازات آلمان حبس معینی برای ارتکاب این بزه پیش بینی شده است. قانون گذار ایرانی در ماده ۱۶ بیان داشته است: «... در بار اول برای پسماندهای عادی، کیفر نقدی از پانصد هزار (۵۰۰۰۰۰) ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰) ریال و برای سایر پسماندها از دو میلیون (۲۰۰۰۰۰۰) ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰) ریال در بار اول، و در صورت تکرار، هر بار به دو برابر مجازات قبلی در این ماده محکوم می شوند». این ماده از لحاظ نوع کیفر، جزای نقدی را برگزیده و از لحاظ میزان کیفر، بزبهای مرتبط با پسماندهای عادی را دارای سرزنش کمتری دانسته و کیفر نقدی کمتری را برای آن در رویارویی با سایر

پسماندها در نظر گرفته است. در خصوص دسته دوم نیز هم قسمت دوم ماده ۱۶ و در خصوص دسته سوم نیز مطابق ماده ۱۷، همچون دسته دوم ضمانت اجرای مقرر در ماده ۱۶ پیش بینی شده است.

مطابق ماده ۱۷: «متخلفین از حکم ماده ۱۴ این قانون موظفند پسماندهای مشمول کنوانسیون بازل را به کشور مبدا اعاده و یا در صورت امکان معدوم کردن در داخل تحت نظارت و طبق نظر سازمان (مرجع ملی کنوانسیون مذکور در ایران با هزینه خود به نحو مناسب دفع نمایند. در غیر این صورت به مجازاتهای مقرر در ماده ۱۶ محکوم خواهند شد». اما در قانون مجازات آلمان کیفر حبس تا پنج سال برای ارتکاب رفتارهای مقرر در بندهای اول و بند دوم پیش بینی شده است؛ حال آن که ضمانت اجرای عدم رعایت بند سوم، یعنی خودداری از تحویل زباله های رادیواکتیو تا سه سال حبس است.

نتیجه گیری

امروز حق داشتن یک محیط سالم به عنوان یک مسئله مهم در نسل سوم حقوق بشر در قالب حق همبستگی توسط سیستم بین المللی مورد توجه قرار گرفته است. در سیستم داخلی نیز اکثر کشورها در اساسنامه خود به مسائل زیست محیطی می پردازند و آسیب ها را منع می کنند. بنابراین، این امر منجر به فرایند "بنیادی شدن حق محیط زیست" شده است. منابع ملی زیست محیطی از جمله منابع بسیار حائز اهمیت در کشور ما به شمار می رود با توجه به محدود بودن آن می بایست با یک سیاست جنایی پیشرفته و مدرن از وقوع جرم علیه منابع زیست محیطی پیشگیری گردد. توجه به قوانین کیفری ایران در زمینه اراضی ملی شده و جنگل ها این امر دارای نگرش مفیدی است اما دیدگاهی مدرن و قوی دران وجود ندارد یا لاقابل کم رنگ است چه جرایم مشهود ای علیه جنگل ها و بیابان ها و حتی مراتع و دیگر اراضی ملی شده به وقوع می پیوندد. البته با اشاره به مطالبی که در متن مقاله بررسی شد می توان ابراز داشت که تبعات جرایم و جنایات زیست محیطی از مرزهای کشور فراتر رفته و بر جامعه بین المللی نیز تاثیر می گذارد. به همین دلیل است که بین اعضای بین المللی موافقت نامه ها و معاهداتی به منظور جلوگیری از جرایم زیست محیطی داخلی منعقد می گردد. کشور ایران نیز با توجه به این مسائل عضویت برخی از این نامه ها در آمده است از این طریق سیاست جنایی ایران در مقابل جرایم زیست محیطی از قالب داخلی به قالب فرامرزی نیز کشیده میشود. البته باید متذکر شد که قوانین ایران در زمینه مبارزه با جرایم علیه منابع ملی زیست محیطی تا حدی قدیمی بوده و دچار ضعف جرم انگاری است. اما با این حال قانون گذار در برخی از موارد به مجازات های درستی جهت پیشگیری از جرایم روی آورده است که می باست این رویکرد به صورت پیشرفته در برابر جرایم سازمان یافته زیست محیطی و همچنین جنایات جبران ناپذیر علیه جنگل ها، مراتع و بیابان ها نیز صورت پذیرد. با این وجود چالش های موجود در این نظام قانونی را نباید نادیده گرفت. نبود انسجام مزبور چالش های فراوانی را برای اعمال یک سیاست جنایی حمایت مدار مطلوب و بخردانه به وجود می آورد، به همین جهت لازم است که مقنن ایرانی به سوی اصلاح قوانین کیفری زیست محیطی خود گام بردارد. علاوه بر این آنچه که در نظام حقوقی ایران در خصوص آلودگی محیط زیست وجود دارد توجه به ارزش ذاتی منابع حیات یعنی آب، خاک و هوا است.

منابع

۱. آی. اوجووان، میشل، ای. لی، ویلیام، مقدمه ای بر تثبیت پسماند هسته ای، مترجم فریبرز ریاحی، تهران: پژوهشگاه علوم و فنون هسته ای، ۱۳۹۲
۲. حاجیوند، امین، میرکمالی، علیرضا، صفری، فرشید، سروی سر میدانی، امید، مسئولیت کیفری دولت در قبال جرایم زیست محیطی در ایران: ضرورتها و چالشها، فصلنامه علوم محیطی، دوره شانزدهم، شماره ۲، ۱۳۹۷

۳. حسن زاده، بهرام، حقوق تحلیلی اراضی و املاک انتشارات جنگل، چاپ دوم، ۱۳۹۰
۴. خدادادی، ابوالقاسم، حقوق کیفری اراضی ملی شده، نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۹۸
۵. داداشی چکان، محمد مهدی و دکتر جمال بیگی، ۱۳۹۳، تروریسم زیست محیطی و ضرورت جرم انگاری آن در ایران با تکیه بر اسناد بین المللی، همایش ملی ایران و چالش های حقوقی بین المللی، مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه
۶. زارع مهدوی، قادر، دانش ناری، حمیدرضا، امنیت بین المللی و جرایم زیست محیطی، انتشارات میزان، ۱۳۹۵
۷. عموزاده مهدیرجی، قدرت، تشخیص اراضی ملی از مستثنیات مبانی، عناصر و آثار حقوقی، نشر دادگستر، ۱۳۹۸
۸. کیانی، امین و محمود رضایی تبار، ۱۳۹۵، سیاست جنایی تقنینی جمهوری اسلامی ایران در قبال مبارزه با تروریسم محیط زیست، همایش ملی حقوق سبز با تاکید بر چالشهای زیست محیطی مناطق شمالی کشور، گرگان
۹. محمودی جانکی، فیروز؛ زکوی، مهدی. ۱۳۹۶. سیاست جنایی ایران در جرایم علیه منابع آب با تاکید بر قوانین بین المللی، مطالعات حقوق، دوره ۳۷، شماره ۸، صص ۲۹۰-۲۶۳.
۱۰. مصداقی، منصور، مرتعداری در ایران، نشر دانشگاه امام رضا (ع)، چاپ چهارم، ۱۳۹۲
۱۱. مصدق، احمد، جنگل شناسی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۸
۱۲. مصداقی، منصور، مرتعداری در ایران، نشر دانشگاه امام رضا (ع)، چاپ چهارم، ۱۳۸۲
۱۳. معین الدین، حسن، مرتع و قانون، بخش اول، مجله جنگل و مرتع، شماره ۳۷، ۱۳۸۹
۱۴. میرزایی، علیرضا، قوانین و مقررات اراضی در نظم حقوقی کنونی، جلد ۲، انتشارات بهنامی، ۱۳۹۳
۱۵. وایت راب، جرایم زیست محیطی فراملی به سوی جرم شناسی جهان بوم، انتشارات روناس، ۱۳۹۵
۱۶. وایت، راب، جرایم زیست محیطی فراملی: به سوی جرم شناسی جهان بوم، ترجمه حمیدرضا دانش ناری، روناس ۱۳۹۴
۱۷. Elliot, L. (ed.) Transnational Environmental Crime in the Asia-Pacific: A Workshop Report. 2007, Canberra: Australian National University
۱۸. White, R., 2016. International Environmental Crime (toward on eco-global criminology), Danesh Nari, Hamid Reza, Mizan Publication, Tehran
۱۹. situ, L. D and Micheal Emmons, Environmental crime: The Criminal Justice System's role in protecting the Environment. Sage Publication. See at: Bricknell, Samantha, Environmental Crime in Australia, Australian Institute of Criminology, Published by the Australian Institute of Criminology, 2010
۲۰. Mary ciford and Terry Edwards, environmental crime, jones learning, 2012
۲۱. <http://newspaper.hamshahrionline.ir/>, 1397 / 2/2